

زنان مبارز ایران پیامی خیزند

فریاد خشم و اعتراض مردم برضد رژیم ارتجاعی روحانی نمایان مرتجع و قشری بند ریج رساتر می شود . بسیاری از مردم که تاکنون بیطرف مانده بودند یا از راه اشتباه و خوش باوری از حکام عوا فریب جمهوری اسلامی حمایت می کردند ، حساب خود را از آنها جدا می کنند و به صفوف مقاومت کنندگان می پیوندند . این يك تحول بنیادی در شیوه تفکر و نحوه عمل مردم است . در این جریان زنان ایران ، که از نخستین قربانیان رژیم بنیادگرایان قشری بوده اند ، نقش بزرگی بازی می کنند . تظاهراتی که در هفته های اخیر در تهران و برخی دیگر از شهرها به نفع "حجاب اسلامی" و علیه کوشش زنان آزاده ایران ، از طرف حکام مرتجع برگزار گردید ، نشانه قدرت و اثر بخشی مقاومت زنان ایران است . علیرغم تمام تبلیغات عوا فریبانه ای که در سالهای اخیر از طرف رژیم برای توجیه اسارت زنان و طرد آنها از زندگی اجتماعی بعمل آمده است ، زنان ایران نشان میدهند که فریب نخورده اند ، از حقوق سیاسی و اجتماعی خود چشم نهوشیده اند ، کفن سیاه را بعنوان جاه خود نپذیرفته اند ، و در يك جمله حاضر نیستند یوغ بردگی قرون وسطائی را ، که حکام شرع مزورانه "فت اسلامی" می نامند ، بگردن افکنند .

در حقیقت رفتاری که عمال رژیم با زنان ایران کرده اند غیر انسانی و شرم آور است . زنان ایران در انقلاب بجه در صفند



دوره هشتم - سال اول - شماره ۱۱
پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

دیوژگی رژیم در آستان ارتجاع عرب

آقای خانهای می گوید : "امروز یکی از درد های بزرگ ما بی خبری مسلمانها از یکدیگر است" و دلیل آن را "نامهربانی مسئولان کشورهای اسلامی بیکدیگر" می داند (اطلاعات ۱۱ غیر ۶۳) . رئیس جمهور در جای دیگر می افزاید : "ما همواره به اینها (کشورهای همسایه عربی) گفته ایم که ما بایکدیگر با شفا متحد باشیم ، با شفا و شفا باشیم" (راد یو ایران ، ۲۱ اردیبهشت ۶۳) . رئیس مجلس نیز ، ضمن اشاره به نمونه مطلوب رابطه

مدتهاست که سران ج ۱۰ تلاش گسترده ای برای جلب حمایت دولتهای مرتجع عرب منطقه و حداقل بیطرف نگاه داشتن آنها در جنگ ، براه انداخته اند . آنها پیوسته در پیامها و سخنرانی های خود تاکید می کنند که از جانب ج ۱۰ خطری متوجه کشورهای عربی نیست و ایران مایل است با آنان در "مبارزه" علیه صهیونیسم متحد شود . این تشبیهات علیرغم ظاهر آراسته ضد صهیونیستی ، در واقع کوششی برای نزدیکی و وحدت با قدرتهای مرتجع عربی است .

درسهای ۲۸ مرداد

۳۱ سال از کودتای ۲۸ مرداد می گذرد . کودتایی که رژیم خودکامه وابسته به امپریالیسم آمریکا را در مین ما پایه گذارد و طی بیش از ربع قرن کشور را به عرصه غارت انحصارهای خارجی و زندان میلیونها ایرانی بدل ساخت . یازگشت به ۳۱ سال پیش و نگاه کن حتی گذرا به آنچه در آن ایام گذشت نه برای یادآوری تاریخ گذشته بلکه برای پند آموزی از رویدادهای کنونی کشور ضرورت دارد . کودتای ۲۸ مرداد که توسط دولت های آمریکا و بریتانیا و بدست "سیسا" و "اینتلجنس سرویس" طرح رخته و به یاری مال محلی امپریالیسم به موفج اجرا گردیده شد ، محصول استراتژی کمونیسم ستیزی و تسوده ای ستیزی و نیز نتیجه قهری پراکندگی و تفرقه میان نیروهای واقعی ضد امپریالیستی در کشور بود . اکنون دیگر برای همگان روشن است ، که سناریوی "خطر کمونیسم" هسته مرکزی تدارک کودتا و پوی ستون سرکوب نهضت رهایی بخش ملی در کشور ما در جریان مبارزه در راه ملی کردن صنایع نفت بود .

تکیه بر این جنبه موضوع در شرایط کنونی دارای اهمیت حیاتی است . زیرا آنچه در حال حاضر در کشور ما می گذرد ، در دو زمینه مورد بحث تشابه و همگونی زیادی با رویدادهای تدارک دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد دارد . از این دیدگاه ککا شیرامون دو عامل عمده امکان تحقق کودتای ۲۸ مرداد ، یعنی هیستری ضد کمونیستی و تفرقه میان نیروهای ضد امپریالیستی واقعی ضرور بنظر میرسد .

رویدادهای خونین ۲۳ تیرماه ۱۳۲۰ ۳۰ تیر ۱۳۲۱ ، هنوز هم در خاطرها رننده است . در آن روزها مین پرستان از جان گذشته ایرانی و از آنجمله اصای حرب تسوده بجه در صحنه ها و ه

بیست و نهمین سالگشت شهادت ۶ افسر توده ای

* افسر شهید رحیم بهزاد : " اقتدار دارم که به خاطر ملت ایران و در راه پر افتخار حزب تسوده ایران و دفاع از حزب محبوبم محکوم و تیرباران شدم ."

* افسر شهید سروشیان : " اشتباه می کنید . از هر قطره خون من صدها سروشیان می رود ."

- * سروان شهید مهندس اسمعیل محقق زاده
- * سرگرد شهید هوایی رحیم بهزاد
- * سرگرد شهید پیاده ارسطو سروشیان
- * ستوان یکم شهید هوایی موجه رحمتاری
- * ستوان یکم شهید هوایی حسن مرزوان
- * ستوان سوم شهید هوایی اسد الله نصیری
- چهره مبارز هر يك از این افسران براساس نمایشگر چهره ای از اسطوره پنداری حلفی در روبرویی با امپریالیسم و ارتجاع فرمانروا بود . شهید محقق زاده لیخند بر لب با روحیه فیهامی جان شیرین خویش را در راه بهروزی زحمتکشانش ایثار کرد . رشادت حماسه دار محقق زاده نسه ننها زیانزد هم اندیشان او ، نه زبان آورد دشمنان سرسخت کف بر لب حزب ما هر بود . بکسی از بعد در صفحه ۶

۲۹ سال پیش آسمان بلور آسای سپیده دم ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ به خون نشست . و ششتر قلب تنیده و پر مهر انسانی آماجگاه "گل پولاد" گلوله های سرین دژخیمان رژیم تبهکار آریامهری شدند تا ششدهان سرودخوان که با فریاد " درود بر حزب توده ایران" به پای چوبه اعدام رفتند ، از سخن باز مانند ، تا شش مغز سرشار از اندیشه های والا و عطر آمیز توده ای نباشد و به آرمانهای بزرگ بشری نیاندیشند ، و گامهای استوارش افسر مین پرست از رفتار در راه آزادی ، استقلال ، ترقی و عدالت اجتماعی باز ایستد .

نام عزیز و هماره زنده این گروه از افسران شهید سازمان نظامی حزب توده ایران را از نظر بگذرانیم :

قلب من زندان است - سیاوش کسرانی - مرداد ۶۳

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی ،
وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

زنان مبارز ایران پیامی می‌بخیزند

بقیه از صفحه ۱

بهمن نقش بسیار موثری بازی کردند. آنها حق داشتند که بعد از پیروزی انقلاب، در اداره نظام نوین سهم شایسته‌ای داشته باشند. ولی متأسفانه این آرزو به تحقق نیویست و جناح ارتجاعی در حاکمیت، از همان روز نخستین پیروزی، توطئه خود را علیه زنان آغاز کرد. برخورد های خیابانی نخستین روزهای بعد از پیروزی را با زنان داریم. در دوره‌های بعد، فشار بر زنان تشدید شد و بتدریج به عنوان گوناگون آنها را از تمام صحنه‌های زندگی اجتماعی، بجز مراسم عزاداری و نظائر آنها، راندند. آنها را موظف کردند گاه بگاه در صحنه‌های زیبایی که در بهشت زهرا، یا خیابانها و مساجد برگزار میگردد شرکت کنند، به فرمان سردسته‌ها بسر و سینه بکوبند، فریاد و فغان کنند، باین و آن دشنام دهند و از این و آن حمایت نمایند. هر زنی که خواست از این دایره تنگ خارج شود دشنام دادند، به زندانش انداخته و گاه حتی به اتهام اثبات نشده زنان محصنه، سنگسار کردند. در قانون خاص که آینه تمام نمای توحش و بربریت رژیم است، حقوق زن را به نصف حقوق مرد تقلیل دادند. بطور کلی، در طول پنجمال بعد از انقلاب، تمام دستاورد های سیاسی و اجتماعی زنان ایران، که محصول مبارزات آنها از دوران انقلاب مشروطه به بعد بود، با کمال بیشرمی زیر پا گذاشته شد. زن را از عرصه دادگستری راندند و با اتکا به اصل مجعول "رجولیت و اسلامیت" به عنوان شروط شرکت در امر قضاء، هرگونه دخالت زنان را در امور قضائی ممنوع کردند. برای ظاهر سازی و عوام فریبی، چند نفر از زنان دست نشانده خود را که بکلی در جامعه ایران ناشناس بودند و نه هیچکس روی آنها را دیده بود، نامشان را شنیده بود، سوابقشان را می‌شناخت، با مواضعشان آشنا بود، به نام

نمایند به مجلس فرستادند. این موجودات زبان بسته وظیفه داشتند به دنیا نشان دهند که زن در رج ۱۰، آزادترین زنان جهانست و آنهایی که در دوره اول مجلس این وظیفه را به خوبی انجام دادند، توانستند، به دوره دوم هم راه یابند.

ولی سیر حوادث نشان می‌دهد که توطئه‌گری و عوام فریبی حکام بنیادگرا برای اغفال زنان با شکست روبرو شده است. رژیم مجبور شده است اراذل و اوباش خود - فروخته را برای ستیز آنها به خیابانهای تهران بفرستد. این پدیده جالب و امیدبخش است. نشانه پیداری و هشیاری زنان کشور ماست. نشانه شکست و بی‌آبرویی مرتجعین خدعه‌گر ریاکارست.

تمام نیروهای ترقی‌خواه ایران وظیفه دارند که از مبارزه زنان ایران در راه احراز حقوق و آزادی های سیاسی - اجتماعی خویش با تمام قوا حمایت کنند. باید فریاد اعتراض زنان محروم و اسیر ایران را در مقیاس هر چه وسیعتر در عرصه جهان منعکس کرد.

باید زنان تمام کشورها را به یاری طلبید. باید وجدان آنها را که هنوز با واقعیت ایران بخوبی آشنا نیستند بیدار کرد. باید توجه داشت که دنیا هنوز فاجعه ایران را در تمام ابعاد آن نمی‌شناسد. باید با تمام قوا کوشید تا جهان را از واقعیت اوضاع ایران، همانطور که واقعاً هست، بدون هیچگونه مبالغه آگاه کرد. اگر نیروهای ترقی‌خواه جهان با هویت‌آنانی که امروز بر ما حکومت می‌کنند آشنا شوند، اگر از اقدامات سبعانه آنها، اطلاع یابند، مسلماً خاموش نخواهد نشست. اگر همه بیاری ما نیابند، گروهی خواهند آمد. و این همد می خواهد بود، برای آنکه دیگران هم بعداً به آن بپیوندند.



اعتراضی به مقامات حاکم ایران می‌گذاشتند.

غرفه حزب توده ایران در جشن حزب کمونیست فرانسه در ماری

در جشن روزنامه منطقه‌ای حزب کمونیست فرانسه در ماری، غرفه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مورد بازدید گروهی از شخصیت های حزب کمونیست فرانسه قرار گرفت. رفیق پلیسیونه مبارز معروف ضد فاشیست و دبیر دفتر سیاسی حزب به هنگام دیدار از غرفه حزب و سازمان گفت:

" ما به نام حزب و طبقه کارگر فرانسه از مبارزات قهرمانانه حزب توده ایران و کمونیست های ایرانی برای صلح و عدالت اجتماعی در ایران پشتیبانی می‌کنیم."

این هم يك گشت تازه!

قرار است "گشت های ویژه" مبارزه با تخلفات ساختمانی " هم در تهران به راه بیفتد. این گشتها در سه شیفت شبانه روزی در مناطق جنوب و شمال غرب شهر آغاز به کار خواهند کرد. هرگشتی شامل دو نفر اندازم و دو نفر مأمور شهرداری است. این گشتها قرار است که با هر نوع به اصطلاح "تخلفي" مقابله کنند و نیز موظفند مناطق حاشیهای خارج از محدوده تهران را زیر "پوشش" خود بگیرند. ظاهراً گروهی "تصرف عدوانی" کرده اند و در زمین های شهرداری خانه می‌سازند. معاون امور مناطق و خدمات شهری شهرداری به مراجع قضائی پیشنهاد می‌کند که برای مجازات "متخلفین" مصالح ساختمانی جمع‌آوری شود و ...

این گشتها در شرایطی به سایدستگاه - های ایجاد ارباب و اضطراب می‌پیوندند که حاکمیت ج ۱۰. علیرغم وعده های بسیار، مشکل مسکن را پیچیده تر از پیش فراری خود دارد و قادر نیست که به حل آن بپردازد. در حال حاضر ده ها هزار خانواده در بدترین شرایط زیستی قرار دارند و قسمت اعظم درآمد خانوانه ها به جیب گشاد صاحبان ساختمانها و آپارتمانها منتقل می‌شود. انسان زحمتکشی که در نهایت فقر و تنگدستی با فروش همه هستی خود سر به بیابان می‌زند و تلاش می‌کند تا سرپناهی برای خانواده اش بسازد، ناگهان با عوامل سرکوبگر روبرو می‌شود و تفنگ های "ژ-۳" و سرنیزه ها به یادش می‌آورد که مملکت "قانون" دارد و "تصرف عدوانی" آن هم در زمین های شهرداری، با آن همه نورچشمی ها و عزیزدانه های دور و بر حاکمیت و نهادها که همه آنها نیازمند ویلا و خانه های بزرگند، ممنوع است. باید منتظر شد تا شاید صد سال دیگر ج ۱۰ بتواند با در نظر گرفتن "تقدیر" مالکیت و کند و کاو در رساله ها و تذکره های عتیق راهی برای حل مسئله "مسکن بیابد".

انگار تاریخ به عقب برمی‌گردد. نزدیکی های انقلاب بود که عوامل رژیم گذشته با توب و تانک رختند به افسیه و شروع کردند به ویران کردن خانه هایی که محرومین در نهایت تنگدستی و استیصال داشتند می‌ساختند. اینک نوبت به حکام ج ۱۰ رسیده است.

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

حساب بانگی ما:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

نامه مردم در جشن مردم فرانسه

طی مراسم باشکوهی که در شهر "نیم" مرکز نستیوال های جهانی فرانسه برگزار گردید "نامه مردم" از نو زینت بخش غرفه ایران بود.

تولد دوباره "نامه مردم" باعث شور و شوق صدها دیدارکننده از غرفه ارگان مرکزی حزب توده ایران شده بود.

اعضا حزب توده ایران با توضیح و افشاگری پیرامون جنایات رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، به ویژه شکنجه و کشتار کمونیست ها و دیگر نیروهای انقلابی، از خیانت های خائنان به انقلاب پرده بر می‌گرفتند. بازدید کنندگان همستگی عمیق خود را با مبارزان انقلابی و ترقی ایرانی ابراز می‌داشتند و امضای خود را در زیر نامه های

جنایتهای هولناک رژیم در کردستان ادامه دارد

فروگذاذاری نمی‌کنند. آنها برای پرده‌پوشی اعمال ضد انسانی وحشی، از بیان حقایق مربوط به کردستان اجتناب می‌کنند. برای پی بردن به عمق جنایات رژیم در این منطقه، بازهم به همان "بولتن‌های خبری کردستان ایران" رجوع می‌کنیم. در بولتن شماره ۷۳ آمده است که مزدوران رژیم پس از تلاش ناموفق برای تسخیر ارتفاعات که در اختیار مبارزین کرد است، به روال همیشه روستاهای اطراف محل درگیری راه رفتند. گلوله‌های خمپاره‌های خود قراردادند که بر اثرین عمل جنایتکارانه محسارات مالی فراوانی به روستاهای منطقه وارد گردید.

بدین ترتیب، ج ۱۰ کردستان را بمیدان جنگ نابرابر با انواع بی‌آمد های فاجعه‌بار تبدیل کرده است. در بولتن شماره ۷۴ به یکی از این فاجعه‌های تکان دهنده اشاره شده است که عیناً نقل می‌شود: "۶۳/۴/۵ - بر اثر انفجار گلوله‌های خمپاره، عمل نکرده دشمن در روستای "بن خلف" سردشت، ۴ کودک خردسال ۸-۱۲ ساله شهید و دو کودک دیگر نیز زخمی شدند. گروهی از کودکان روستای "بن خلف" گلوله‌های خمپاره، عمل نکرده‌ها را که مزدوران در چند روز گذشته به سوی این روستا پرتاب کرده بودند، پیدا نموده و با آن مشغول بازی می‌شوند. در ضمن بازی، گلوله‌های خمپاره ناگهان منفجر شده و بر اثر انفجار آن ۴ کودک خردسال کشته و دوتن دیگر نیز زخمی می‌شوند. سرکوبگران ج ۱۰، کسانی را که سیاست تحمیل عقیده و سرکوب نظامی رژیم را نپذیرند و مشکوک به همکاری با مبارزین کرد باشند تا سرحد مرگ، آزار و اذیت می‌کنند. در بولتن شماره ۷۳ آمده است: "در روستای "گاو میش گولسی" زحمتکشی بنام "عزیز حاجی مرادی" را به شهادت رسانده و زن و فرزند وی را به شدت ضروب و زخمی نمودند."

این بود گوشه‌هایی از قساوتها و جنایات نیروهای مسلح ج ۱۰. وی آمده‌های فاجعه‌بار جنگ تحمیلی به خلق کرد. خلق کرد، خواهان راهی از ستم دیرینه ملی و کسب خود مختاری در چارچوب ایرانی آزاد، آباد و مستقل است. هیچکس از حکومت‌های ارتجاعی گذشته، از جمله دودمان ننگین پهلوی، قادر به فرونشاندن آتش مبارزه عادلانه و پیکار فرمانانانه این خلش نشدند و هیچ رژیم دیگری نیز موفق به آن نخواهد شد. مسأله ملی، با قتل و کشتار و ویرانی قابل حل نیست. به رسمیت شناختن حقوق ملی خلق کرد و دیگر حلقه‌های کشور در چارچوب تعامد ارضی ایران، یگانه راه حل این مسئله است.

حاکمیت ج ۱۰، سیاست سرکوب نظامی جنبش خود مختاری خلق کرد را، همچنان ادامه می‌دهد. نیروهای مسلح رژیم، هراز گاهی عملیات سرکوبگرانه‌ای را به منظور نابودی مبارزین کرد و بیرون راندن آنها از سرزمین آبا و اجدادی خویش طرح و اجرا می‌کنند و بر میزان قتل و کشتار و ویرانی در کردستان می‌افزایند. در ادامه و تشدید همین سیاست، اخیراً، فرمانده قرارگاه حمزه (مرکز طرح و هدایت عملیات نظامی سرکوب خلق کرد) از "عملیات سراسری" قریب الوقوع در کردستان سخن راند. (ج ۱۰، ۲ مرداد ۱۳۶۳). حاکمیت مدعی است که خلق کرد، ج ۱۰ را "ناجی" خود تلقی کرده و از حضور "رژمنده گان اسلام" در کردستان استقبال می‌کند. به ادعای سران رژیم، نیروهای انقلابی کرد، کاملاً مضمحل شده‌اند و فاقد هرگونه پایگاهی مردمی هستند. در این صورت، باید پرسیده که ضرورت تدابیر "عملیات سراسری" چیست؟

برای یافتن پاسخ روشن، به "بولتن خبری کردستان ایران" منتشره از طرف حزب دموکرات کردستان مراجعه می‌کنیم. در شماره‌های ۷۳ و ۷۴ این بولتن، اخبار درگیریهایی نظامی میان نیروهای ج ۱۰ و مبارزین کرد (مربوط به نیمه اول تیرماه ۱۳۶۳) درج شده است. تنهادر عرض ۱۵ روز نزدیک به ۲۰۰ تن از سرکوبگران ج ۱۰ کشته شده‌اند. در جریان این عملیات حدود ۱۹ تن از مبارزین کرد نیز شهید شده‌اند.

این واقعیت، موید مقاومت سرسختانه مبارزین نهضت ملی کردستان است. خلق کرد، پرچم مبارزه رهایی ملی را بر زمین نهاده و حاضر به تسلیم در برابر زور، تحمیل عقیده تبعیض ملی و سیاست ارتجاعی ج ۱۰ نیست. شعله نهضت ملی کردستان، همچنان فروزان است و حضور فعال و گسترده رژیمندگان کرد در منطقه، خواب از چشم سرکوبگران رژیم روده و لرزه بر اندام آنان انداخته است. در نتیجه، حاکمیت به تشدید سیاست اعمال قهر روی آورد و می‌خواهد با سرنیزه و توپ و تانک (یگانه و سلسله) تحمیل افکار ارتجاعی (خواستهای عادلانه) خلق کرد را سرکوب و سکوت گورستان در کردستان حکمفرما سازد. طرح "عملیات سراسری" قرارگاه حمزه نیز، در این چارچوب قابل درک و ارزیابی است.

سبب این همه قتل و کشتار در کردستان، رژیم ج ۱۰ است که با بهره‌گیری از به رسمیت شناختن حقوق ملی خلق کرد، در چارچوب تعامد ارضی ایران، جنگ ناخواسته‌ای را به این خلق محروم تحمیل کرده است. سران ج ۱۰ در پهنبرد اهداف خود، از انجام هیچگونه جنایتی

قلب من زندان است

قلب من زندان است
نقب در نقب، فرو بسته به هم
فنجه ای ساخته از آهن سرخ
قلب من قفل بزرگ‌بست ز خون.

داغکاه هیست دلم
غیرت، آنجا مجروح
بی‌گناهی صلوب
و شجاعت در آن سیلی خور
قتلگاه هیست شقایق‌ها را.

زخمها را ورم آورده دلم
پای تا سر همه قلبم، قلبم
می‌تیم، می‌تابم، می‌توتم
ای گلایی کبود!
ای حباب تاریک!
چه هواها که بسرداری در این خفقان.

نه کلیدی جادو
تا در قلعه فریاد بدان بگشایم
نه چراغی پیدا
که من این کود سیه چال به کس بنمایم
نهر خون جاری از آنست و جز بستر خون
راه بر قلبم نیست.

قلب من قاره مد فونیست
آرزوها اندر آن شبخی آد کون
عشق بی‌عطر، گدا
خشم بی‌ندان، پیمان در خویش
کینه بی‌حریت، سرد رکف، کم
بیم، در اوج، عقابست عبوس
آه قلبم چه هراسستانی است.

پشت دیوار دلم
آسمانیست چو سیلوفور سبز
پال پرواز در آن همه ساز
آفتابش خندان
کهنکشان شرط روشن در شب
ای جدار عبث! ای یاقوه حصار!
من چه نزدیک و چه دورم از نور.

همه شب بر می‌آید از این شب
صورت غمگین محبوس از حجره تنگ
آه ای آزادی!
وطنم قلب من است
قلب من زندان است.

سیاوش کسرائی

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی
یک وظیفه انقلابی است!

درسهای ۲۸ مرداد

ایران، در دفاع از نهضت ضد امپریالیستی بپا خاستند و طبعاً توطئه‌های امپریالیستی تسلط بر منابع عظیم نفت ایران مبارزه سرسخت، پیگیر و بسی-مانی را آغاز کردند. قربانیان توطئه‌های امپریالیستی در آن روزهای تاریخی به صدها نفر بالغ گردید. روحانیون دیناری، چون شمس‌قنات بادی، سرکرده "مجاهدین اسلام"، محمد بهبهانی، شیخ بهاء الدین نوری، فلسفی، کاشانی و غیره در این دسیسه‌های سبعانه شرکت فعال داشتند. هم اینها بودند که ما مور پیاده کردن استراتژی امپریالیستی "خطر کمونیسم" در ایران شدند و توانستند به یاری دیگر ایادی آمریکا انگلیس نهضت ضد امپریالیستی مردم ما را بار دیگر با شکست روبرو سازند.

پرونده سازی علیه حزب توده ایران به قصد متهم ساختن آن به "براندازی" مهمترین عنصر توطئه امپریالیستی را در آن ایام تشکیل می‌داد. پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، زنده یاد آیت الله طالقانی برده از اعمال قبیح عمال امپریالیسم برداشت. وی گفت که در آن روزها دست نشاندهگان امپریالیسم برای "اثبات" باصطلاح خطر کمونیسم در منزل آقای بهبهانی گرد می‌آمدند و ناهای جعلی تهدید آمیزی به مهر و امضا "حزب توده ایران تهیه و به آدرس روحانیون ارسال می‌داشتند". همه این آقایان ضد توده‌های حرفه‌ای بودند و در ازا، خدمت صاحب‌جاه و مال و مقام می‌شدند. ۳ آبان ماه ۱۳۳۰ روزنامه "کیهان" در تیتولیف یکی از عمال امپریالیسم، دست‌اندرکار توطئه علیه حزب توده ایران - سرلشکر مزینی - نوشت، که این افسر تربیت یافته آمریکا سابقاً فرمانده لشکر ۲ گارد مرکز بود، بعد ها به مقام ریاست کل شهرتانی ارتقاء یافت و پس از استعفا از این سمت آجودان سلطنتی شد و "مخالف سیاسی او را یکی از نیرومندترین شخصیت‌های ضد کمونیستی ایران می‌شناسند". منظور از مخالف سیاسی زمامداران کاخ سفید و گردانندگان "سیا" بودند. مهره ضد کمونیست دیگر سرگرد فرودست بود. وی در دوران شاه به درجه سپهبدی نائل و یکی از گردانندگان اصلی سازمان جنایت پیشه "ساواک" گردید. بیازی به تذکر نیست، که در آن ایام فقط دست پروردگان "سیا" و افسران مورد اطمینان امپریالیسم آمریکا می‌توانستند به مقامات حساس دولتی دست یابند. یاران مزینی‌ها و فرودست‌ها و فلسفی‌ها در مجلس شورای ملی نیز شعله کمونیسم ستیزی را دامن می‌زدند.

"چرا ریشه حزب توده ایران را نمی‌کنید؟" این سخنان از آن جناب‌امای نماینده فرمایشی آن دوره مجلس شورای ملی است. چرا "ریشه" حزب توده ایران می‌بایست کنده می‌شد؟ زیرا حزب ما در آن ایام یگانه حزب سیاسی متشکل بود، که در راه استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی پیکار می‌کرد و - راین راه از هیچ فداکاری دریغ نداشت.

پس از ملی شدن صنایع نفت و محاصره اقتصادی ایران از جانب دول امپریالیستی، وقتی مسئله فروش نفت به کشورهای سوسیالیستی در مجلس شورای ملی مطرح گردید، تیمور تاشوکیل دست‌نشانده فریاد برآورد "خوب بود دکتر صدق از روز اول می‌گفت که می‌خواهد به کمونیسم نزدیک شود. دکتر صدق نباید به شوروی نفت بفروشد. ما باید سیر طبیعی خودمان یعنی دادن نفت به انگلستان را ادامه دهیم" ("باختر امروز" ۱۶ آذر ۱۳۳۰).

تیمور تاشوها از امپریالیسم آمریکا الهام می‌گرفتند. در همان روزها دولت آمریکا بدون ذره‌ای شرم دولت صدق را تهدید کرد و اعلام داشت: "فروش نفت به شوروی باعث تشدید نفوذ آن دولت در ایران خواهد شد". (باختر امروز ۱۸ آذر ۱۳۳۰).

ایران می‌باید در عرصه بین‌المللی منفرد می‌ماند تا امپریالیسم بتواند راده خود را به آن تحمیل کند. "خطر کمونیسم"، "نفوذ شوروی" و همه رسانه‌های از این قبیل بهانه‌هایی بودند برای تبدیل مین ما به زائنده امپریالیسم. حرف بر سر تقسیم منابع طبیعی ایران بود. آیدن در خاطره - تن نوشت: "من معتقد بودم که سهم شدن آمریکایی‌ها در نفت ایران تنها راه حل مسئله است. ۰۰ موافقت کردیم که به اتفاق آمریکا این فکر را نبال کنیم که بوسیله "بانک بین‌المللی" ترتیبی برای نفت ایران داده شود.

(خاطرات آیدن، ترجمه کاوه دهگان) ۰ درست بهمین سبب بود که نفت ایران نمی‌بایست به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی فروخته شود.

کودتای ۲۸ مرداد، با یورش سبعانه به حزب توده ایران، پیکار جنجال بر سر "خطر کمونیسم" و افسانه دستیابی به "آبهای گرم"، که امروز نیز به قیاس گسترده از جانب ضد انقلاب و عمال امپریالیسم در خارج و داخل کشور مطرح می‌شود، آغاز گردید. دیروز نیز مانند امروز جنجال ضد توده‌های پرده‌ای بود برای استتار رخطر واقعی، یعنی خطر امپریالیسم روزنامه انگلیسی "دیلی تلگراف" نوشت: "هرگاه یک دولت تصودهای زمام امور ایران را بدست گیرد، دولت شوروی به آبهای خلیج فارس دست خواهد یافت. بدین طریق دنیای غرب با بزرگترین خطر بعد از جنگ روبرو خواهد شد" (کیهان، ۱۶ مرداد ۱۳۳۱).

دیگر روزنامه انگلیسی "گاردین" نوشت: "اگر دولت جدید نتواند اوضاع را بهبود بخشد یک دولت توده‌های روی کار خواهد آمد" (همانجا) خبرگزاری فرانسه پرساز واشنگتن خبر داد که بنظر وزارت خارجه آمریکا "تا آخر سال جاری میلادی (۱۹۵۲) کمونیست‌ها ضرب شستی برای بدست گرفتن قدرت در ایران نشان خواهند داد" (کیهان، ۵ مهر ۳۱). امروز پس از گذشت ۳۱ سال از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد همه می‌دانند که هدف از اینگونه تبلیغات، وارد آوردن ضربه به نهضت ملی ما بود. هدف برکنار کردن دکتر صدق از زمامداری کشور بود. آنتونی آیدن یکی از طراحان نقشه کودتای در خاطرات خود می‌نویسد: "بر من مسلم شده بود، که صدق هر قدر بیشتر بر آنکه قدرت باقی بماند، حزب کمونیست در ایران قویتر و نیرومندتر خواهد شد. منافع بین‌المللی ما ایجاب می‌کرد که به صدق امان ندهیم و او را آسوده نگذاریم".

اعتراف آیدن افشاگر شیوه امپریالیستی سرکوب نهضت‌های رهایی بخش ملی است. اظهارات وی درباره "خطر کمونیسم" در روغ آشکارا بود. حزب توده ایران در آن روزها نیز تحت پیگرد شدیدی بود. روزی نبود، که اعضای حزب ما را در خیابانها به قتل نمی‌انند و گروه آنها را روانه زندان نکنند. یگانه "گناه نابخشودنی" حزب توده ایران از نظر امپریالیسم و ارتجاع داخلی دفاع بی‌قید و شرط از استقلال کشور و مبارزه در راه آزادی و سعادت زحمتکشان بود. تصادفی نیست که هم "لندن" و هم "واشنگتن" حزب توده ایران را سد عده و اساسی در راه دستیابی به امیال پلیس خود می‌شمردند.

امروز نیز تاریخ تکرار می‌شود. اعضای حزب توده ایران را به اتهام "براندازی" به جوخه‌های اعدام می‌سپردند و در فراموشخانه‌های رژیم زیر شکنجه‌های حیوانی نگاهداری می‌کنند. امروز نیز مانند دیروز همه بلندگو - یان داخلی و خارجی امپریالیسم از "خطر کمونیسم" سخن می‌گویند تا خطر واقعی نادیده گرفته شود. امروز نیز مانند دیروز متکین داخلی و خارجی توده‌های ستیزی و کمونیسم ستیزی بخوبی می‌دانند که هیچ خطری از جانب کمونیست‌ها مین ما را تهدید نمی‌کند و نمی‌تواند بکند.

حتی خود آیدن در خاطراتش به واهی بودن خطر کمونیسم اعتراف می‌کند و می‌نویسد، که به خلاف آمریکائیا، که احتمال روی کار آمدن کمونیست‌ها را می‌دادند: "من واقف بودم، در صورت برکناری صدق دولت عاقلتری می‌توانست جای او را بگیرد". به بیان دیگر دامن زدن به هیستری ضد توده‌های هدفش روی کار آوردن "دولت عاقلتر" بود تا بتواند منافع امپریالیسم را در ایران حفظ کند.

مجله "نیواستیتسمن" (۲۱ ژوئیه ۱۹۵۱) بی‌پرده نوشت: "از لحن شدید مسترمورینس، وزیر امور خارجه چنین برمی‌آید که وی دیگر امید به دکتر صدق ندارد و بر آنست که مذاکرات را با شخص دیگری شروع کند. ۰۰۰" نفتخواران انگلیسی از اینکه منافع آنان در ایران در معرض خطر قرار داشت، سخت نگران بودند. واشنگتن بی‌درنگ به یاری لندن شتافت. مذاکرات آیدن و آچسن در واشنگتن و لندن نقطه نظرهای ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر را بهم نزدیک کرد.

الون ساتن، شرفشناس انگلیسی در کتاب "نفت ایران" می‌نویسد: "پس از شکست مذاکرات پیرامون نفت در تابستان سال ۱۹۵۲، آمریکایی‌ها به نقطه نظر انگلیس‌ها داه بر اینکه صدق دیگر ضمیمه در مقابل کمونیسم

درسهای ۲۸ مرداد

نیست کردن نهادند و تنها الترناتیو کودتای نظامی بود ("نفت ایسران" صفحه ۳۸۶)

حزب ما در نامه سرکشاده به آقای دکتر مصدق نوشت: "امپریالیست ها به منظور مشوب کردن اذهان در اطراف "کودتای چپ" سخن پردازی می کنند. امپریالیست ها از هم اکنون به دست مستشاران نظامی نقشه های مفصلی درباره سرکوبی نمایش ها و جنبش های توده ای از راه برادر رکشی طرح کرده و برای اجرا آماده ساخته اند و هدف آنها زمینه سازی کودتای امپریالیستی است" (بزم آوران ۱۶ شهریور ۱۳۳۱) - سیر حوادث حقانیت حزب ما را به ثبوت رسانده ولی در آن روزهای سرنوشت ساز دستگاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم سرگرم اشاعه افسانه "خطر کمونیسم" بود که متأسفانه دولت وقت نیز در آن شرکت داشت.

۲۹ مهر ماه ۳۱ مجله "خواندنیها" از قول روزنامه "گاردین" نوشت: مبنای سیاست دولت این است که "مرتبا خطر کمونیسم را بزرگ کند تا هر موقع که با سفیر آمریکا مواجه می شود بگوید: "یا پول بدید یا ما کمونیست خواهیم شد" - ولی تا بحال نه آمریکائی ها پول داده اند و نه ایران کمونیست شده است."

حزب توده ایران چه می گفت و چه می خواست که مورد تهاجم ارتجاع داخلی و خارجی قرار داشت؟ حزب ما خواهان بهبود زندگی کارگران و زحمتکشان بود و از منافع آنان دفاع می کرد. "انجمن کمک به دهقانان" که زیر نظر حزب ما تشکیل شده بود، در پائیز سال ۱۳۳۱ خطاب به دکتر مصدق نوشت: "کلیه املاک مزرعی فئودالها، خان ها و مالکین بزرگبلاعی و مجانی میان دهقانان تقسیم شود. قروض دهقانان ملغی شود" (وحدت آسیا ۶۴ مهر ۳۱)

ما خواهان طرد نمایندگان مداخله جوی آمریکا از ایران بودیم. ما از دولت خواستیم تا کلیه جاسوس های آمریکائی را که به نام مستشار نظامی و اصل چهار و غیره سراسر کشور ما را اشغال کرده بودند، اخراج شوند، آزادیهای دموکراتیک به قصد امکان تجویز نیروی مردم در مبارزه علیه امپریالیسم، تأمین گردد، صنایع از کار افتاده نفت راه انداخته شود ("نخه نو" ۲۵ مهر ۳۱).

حزب ما به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی اهمیت فوق العاده می داد. روز چهلم شهدای سیم تیر در میتنگی که از طرف "جمعیت ملی مبارزه با استعمار" تشکیل شده بود، حزب توده ایران همه نیروهای صدیق ضد امپریالیست را به اتحاد دعوت کرد و توضیح داد: "مقصود به هیچ وجه این نیست که جمعیت و احزاب متشکل در جبهه واحد ملی خط مشی سیاسی و هدف مبارزه خود را تغییر دهند. پیشنهاد همکاری ما فقط روی مسوارد معینی است که جمعیت پیشنهاد کرده است" ("آخرین علاج" به جای "پسوی آینده" ۱۳ شهریور ۳۱).

متأسفانه شخصیت های صرفی که هر یک به نوعی اسیر تعهداتسی بودند که خود برای خوشبوجود آورده بودند و مغالزه با امپریالیسم را به مبارزه در جبهه واحد ترجیح می دادند، از همکاری با حزب ما امتناع ورزیدند.

نگرانی امپریالیسم آمریکا از نفوذ و با خطر کمونیسم نبود. واشنگتن از سرایت نهضت های رهائی بخش ملی به سراسر کشورهای منطقه بیگناک بود. انحصارهای عول بیکر، گردانندگان اصلی اهرمهای دول امپریالیستی

برای تحمیل افکار عمومی به حربه شناخته شده "خطر کمونیسم" پناه می بردند - حربه ای که هم در جریان اوج نهضت انقلابی و هم پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ مورد استفاده قرار گرفت. هنگامیکه انقلاب شکوهمند مردم مین ما اوج می گرفت و می رفت تا به سلطه امپریالیسم و مزدوران ایرانی آن در کشور پایان بخشد، تاریخ دوباره تکرار شد. شاه معدوم نخه "خطر کمونیسم" و "نفوذ کمونیست ها" را سرداد و همه رسانه های گروهی امپریالیستی آنرا در مقیاس گسترده ای پخش کردند.

این شیوه مطرود از فردای پیروزی انقلاب با شدت و حدت روزافزونی ادامه یافت. به اصطلاح نفوذ حزب توده ایران در ارگانهای دولتی و "نهاد های انقلابی" موضوع اساسی رسانه های گروهی ج ۱۰ و رادیوها و نشریات ضد انقلاب امثال بختیارها و امینی ها در خارج از کشور گردید. دیروز آقای فلسفی، برای تهیه تدارک شکست نهضت ملی کردن نفت بر سر هر منبری از "خطر کمونیسم" سخن می گفت، امروز هم همان آقای فلسفی و دیگر یارانانش همان نغمه های کهنه را اینبار برای احیاء مواضع امپریالیسم سر می دهند. دیروز سرگرد فرد وست برای خوش رقصی در برابر شاه و اربابانش برای حزب توده ایران پرونده سازی می کرد، امروز همان آقای فرد وست در مقام مشاور اطلاعات ج ۱۰ وظیفه مشابهی را بعهده دارد. کار بجائی کشیده که امینی، وزیر دارائی رژیم کودتای نیز زیان به "انقاد" گشوده و از ملت و مین سخن می گوید. ۱۱ آژوئیه ۱۹۶۱ نشریه "با احترام امروز" ارگان جبهه ملی خارج از کشور متن مصاحبه ابوالقاسم امینی برادر وزیر دارائی رژیم کودتا را منتشر ساخت که بسیار جالب بود. وی از جمله گفت زمانیکه در دربار شاه بود، یکی از دوستانش از جانب یکی از سفیرای خارجی (سفیر کبیر آمریکا) نزد وی آمده و اظهار داشت حاضر است ۵ میلیون دلار برای هزینه سقوط دولت مصدق بپردازد. به نظر سفیر آمریکا امین وظیفه را می بایست محمود امینی، فرمانده ژاندارمری وقت بعهده گیرد. به گفته ابوالقاسم امینی وقتی محمود امینی این پیشنهاد را رد کرد، برادر رد بگوش یعنی علی امینی ۵ میلیون دلار را دریافت کرد و در تهیه و تدارک کودتا شرکت جست. همین آقای امینی است که امروز با حمله به حزب توده ایران، سنگ ملت گرانی به سینه می کوبد و با کمک همدستان خود در حاکمیت ج ۱۰ سرگرم تهیه مفدمات اجرای توطئه نوینی است.

امروز هم مانند گذشته هدف کمونیسم ستیزی عبارت است از تا تیسر در روند اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به منظور احیاء مواضع از دست رفته امپریالیسم. تجربه تلخ ۲۸ مرداد به ثبوت رساند که امپریالیسم و نسو- استعمار برای استقرار سیستم قیادت اقتصادی و سیاسی همیشه از سلاح "خطر کمونیسم" بهره برده اند. آنانیکه از این تجربه تاریخی پند نمی گیرند، دیر یا زود پشیمان می شوند. مؤلف کتاب "دفاع دگر صدق از نفست در زندان لشکر ۲ زرهی" می نویسد که دکتر مصدق در زندان نوشت: "کمونیسم را بهانه کرده اند، برای اینکه ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ما سو استفاده کنند و برای ادامه سو استفاده ملت ایسران را آرا دی و استقلال محروم نمایند."

آقای دکتر مصدق، وقتی به آنچه ما می گفتیم و می نوشتیم باور کرد، کسه دیگر کار از کار گذشته بود. ولی ما وجود این یادآوری این حرفها از زبان آقای دکتر مصدق در این روزها حائز اهمیت زیادی است. اسن پندی است که باید آویزه گوش همه نیروهای انقلابی و صدامپریالیست گردید. برای مقابله با ارتجاع داخلی و امپریالیسم فقط یک راه وجود دارد - اتحاد و عمل مشترک نیروهای مردمی.

آنها را همیشه حفظ نمایند و از ممانند گسار محترم مجلس در همین رابطه است. ما دارم کسه برای تشکیل وزارت اطلاعات از بهر وزیر محترم تا راه افتادن کامل و واردات هم مباره، جدی و متمرشری داشته باشند تا استناء الله کمبود جمهوری اسلامی را برطرف کند. محمد امین عفری (کیهان ۱۳/۴/۲۷)

● خاطر مبارک آسوده باشد! جمهوری اسلامی از هر نظر کمبود داشته باشد، از این نظر کمبود ندارد!

مشکل و مسئله ای ندارند جز مسئله بی حجابی زنان خبرنگار! "متأسفانه مشاهده می شود که وقتی صدق زبانی حرکتی از جانب منافقین و گروه های مدارب سر نمی زند، نیروهای که پاسداری از امنیت کشور و انقلاب را به عهده دارند، حسرات و بیداری لازم را از دست می دهند. لسا پیشنهاد می شود که مسئولین ذی ربط با بهر پاسی مانورهای مختلف ضد جاسوسی و تنوع بخشیدن به کار نیروها و جلوگیری از خستگی و کسالت، بیدار

از لابلای روزنامه ها

"اسرای ایرانی در عراق، در اعتراض به باز دید خبرنگاران خارجی فریاد الله انبر سر دادند. نماینده ای از زندانها، به خبرنگاران گفت: برخی از زندانیان به دلیل عدم رعایت حجاب اسلامی پنج زن خبرنگار، دست بسته اعتراض زدند" (کیهان ۱۳/۴/۲۶)

● از اینجا معلوم می شود اسرای ایرانی هیچ

دیروز کی رژیم ...

بقیه از صفحه ۱

ایران و ترکیه و "زندگی" با این کشور "بارضای خاطر" و "در صفا و صمیمیت" می گوید: "بنابراین هیچ دلیلی ندارد سایر همسایگان ما، از ما بترسند. ما صادقانه آنها را دعوت می کنیم. ... با ما همکاری کنند که در برابر دشمن مشترکمان (اسرائیل) بایستیم، آنگاه خواهند دید که مایه امنیت برای منطقه و مایه قوت و قدرت برای آن کشورها خواهیم بود" (اطلاعات، ۷ تیر ۶۳).

رژیم برای وحدت با سران مرتجع کشورهای تلاش می کند که در وابستگی آنان به امپریالیسم و خصومتشان با خلقهای خود و جنبشهای رهائی بخش ملی در منطقه، جای کوچکترین تردیدی نیست. سران همه این کشورها، از متحدین وفادار شاه معدوم بودند.

ادعای رژیم، مبنی بر وحدت با ارتجاع عرب حول محور مبارزه با صهیونیسم، عواضی بیسالیوسانهای پیش نیست. کشورهای از نسوع عربستان سعودی، بدلیل وابستگی عمیق به امپریالیسم هرگز نمی توانند به مبارزه ای جدی علیه صهیونیسم بپردازند. شعارهایی که سران این دولتها در دفاع از حقوق خلق فلسطین و مخالفت با دولت تجار و زر اسرائیل سر می دهند، قبل از هر چیز، بازتاب روحیه ضد صهیونیستی خلقهای عرب و مانوری برای فرونشاندن این روحیه برای تحکیم موقعیت خویش است. اگر سردمداران ج ۱۰.

واقعاً قصد مبارزه با صهیونیسم را داشتند، می بایست در راه وحدت با نیروهای اصیل ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و مدافعین واقعی حقوق و آرمان خلق فلسطین گام بر می داشتند. مسئله ای که واقعیت خلاف آن را نشان می دهد. آنهاست که زمانی تند و تیزترین شعارها را علیه اسرائیل سر می دادند و سخنی از برسمیت شناختن کشور اسرائیل را خیانت به اسلام، مسلمین و اعراب تلقی می کردند، امروز کاملاً تغییر موضع داده و اولاً مبارزه با صهیونیسم را منوط به مساعی ارتجاع عرب می کنند، ثانیاً "تلویحاً" راه را برای برسمیت شناختن آن کشور می گشایند.

رفسنجانی، در مصاحبه ای با آژانس خبری فرانسه می گوید: "... برای جنگ با اسرائیل هدف ماتی لازم است. کشورهای عربی اسلامی ... باید همکاری کنند. کشورهای پولدار عرب باید از جنگ را بدهند. کشورهای که دارای نیرو هستند باید نیرو بدهند و از همه امکانات کشورهای اسلامی باید علیه اسرائیل استفاده بشود، منجمه حربه نفت ... نظر ما این است که ... باید حکومت اسرائیل عوض شود و یک حکومت منبعت از مردم عرب، یهود، مسیحی با نظر اکثریت تشکیل شود و ما حاضریم برای اینکار سرمایه گذاری کنیم" (اطلاعات، ۲۵ تیر ۶۳). ما نیز، موافق بخش آخر سخنان آقای رفسنجانی، که کاملاً تازگی دارد هستیم. اما سخن بر سر آن است، که این تغییر

موضع رژیم، نه بر مبنای واقع بینی انقلابی، بلکه به منظور نزدیکی هرچه بیشتر به ارتجاع عرب، اسرا-ئیل و امپریالیسم است.

به این ترتیب جای کوچکترین شبهه ای باقی نمی ماند که هدف رژیم از نزدیکی به قدرتهای مرتجع منطقه، مبارزه علیه صهیونیسم نیست. اظهارات آقای رفسنجانی، در دیدار با وزیر امور خارجه ترکیه، استراتژی ج ۱۰ را در این باره روشن می سازد: "... اگر مساله (عراق) حل نشود در افغانستان هم مشکلات قابل حل نیست. ... اگر این دو مشکل حل شود کشورهای عربی و ما و شش و پاکستان می توانیم همکاریهای سازنده تری را برای منطقه داشته باشیم. همچنین حسن دیگر این است که اگر یک حکومت اسلامی در عراق بوجود آید خطر کمونیسم در منطقه در خواهد شد" (جمهوری اسلامی، ۲۰ اسفند ۶۲).

این بیانات گویاتر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد. رژیم جمهوری اسلامی همسایه ناتوی و کشورهای مرتجع عرب منطقه را به حول محور مبارزه با افغانستان انقلابی و کمونیسم دعوت می کند. به عبارت دیگر وظیفه اجرای سیاست ریگان و شرکا، در منطقه را عهده دار می گردد. حکام ج ۱۰ در باتلاق جنگ پیبوده و نقد رفرو رفته اند که حاضرند برای تحقق اهداف ماجراجویانه خویش و جلب حمایت قدرتهای ارتجاعي، با جای پای شاه معدوم بگذارند و عملاً سیاست خارجی وی را، که دیکته شده امپریالیسم بود، پیشه کنند.

باید این نکته را هم در نظر گرفت، که در شرایط فعلی به دلیل وجود جو شدید ضد امپریالیستی در کشور و اینکه مردم ایران امپریالیسم آمریکا را قاتل شهدای بیشمار خود می دانند امکان ساخت و پاخت طنی حاکمیت، با اربابان بزرگ امپریالیستی نیست. از این رو، سران رژیم در راه سازش با امپریالیسم از شیوه های مناسب تری استفاده می کنند. آنها نخست به سراغ رژیمهایی می روند که تحت لوای اسلام به غارت مردم و تاهین منافع انحصارات امپریالیستی مشغولند تا با توسل به عامل مشترک اسلام، سازش با آنها را بسرای زحمتکشان کشور توجیه کنند. بر همین اساس حکام ج ۱۰ ابتدا با پاکستان و سپس با ترکیه "اسلامی" عقداخت بستند و اکنون در صدد اتحاد با عربستان، کویت و اردن هستند.

تلاش حاکمیت برای جلب حمایت قدرتهای ارتجاعي منطقه، جلوه ای است از گرایش کلی رژیم به جهان سرمایه داری و جهت گیری آن به نفع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران داخلی. گسترش روابط اقتصاد سیاسی با پاکستان و ترکیه، توسعه روزافزون روابط نابرابر اقتصادی با انحصارات چند ملیتی امپریالیستی، کوشش برای وحدت با دولت های مرتجع منطقه و سفر اخیر وزیر خارجه آلمان فدرال (متحد نزدیک و وفادار امپریالیسم آمریکا)

به ایران، همگی حلقه های بهم پیوسته رنجبری هستند که ایران را به سمت وابستگی کامل به امپریالیسم جهانی سوق می دهند.

بیست و نهمین ...

بقیه از صفحه ۱

افسران دستیار تیمور بختیار جلا، به یکی از همزمان محقق زاده می گوید:

"روشن است که من از مخالفان پر و پا قرص حزب توده ایران هستم و با محقق زاده، هیچ نوع پیوند فکری و عقیدتی ندارم. اما نمی توانم حیرت خود را از این همه رشادت و شهامت پنهان کنم." گزینش آگاهانه و سرشار از آرایش مرگ افتخار آمیز جانمایه و سرشت افسانه نگرش و کنش یک این رهروان راه حزب توده ایران بوده است. در این فضای مقدس است که رفیق مرزوان بر دیوار سرد و فرسوده زندان می نویسد:

"امشب آخرین شب زندگی من است. قلبم را امتحان کردم، آرام است. امید وارم همه زندانیان سیاسی مانند من باشند."

گاهی همزنجیر دیگر او بهزاد هم در آن لحظات دشواری خواهد به رفیق خویش طابینا خاطر بدهد که "من با تو همدل رفیق" بهزاد می نویسد:

"افتخار دارم که به خاطر ملت ایران و در راه پر افتخار حزب توده ایران و دفاع از حزب محبوب محکوم و تیر باران شدم ..."

سروشیان ظفر مندان در پاسیز این نغمه نا ساز دشمن که "ترا می کشیم" می لرزشی در صدا می گوید:

"اشتباه می کنید. از هر قطره خون من صدها سروشیان می رود."

و از بی این قهرمانان سلحشور نصیبری و مختاری می آیند. آری از برش صدف ایمان و اندیشه پایبندی به منافع طبقه کارگر و گردان پیشتاز آن، حزب توده ایران است که مختاری افسر جوان ۲۵ ساله، قامت افراشته روی به سوی خلق می کند و بانگ بر می دارد:

"آرزو دارم روی استخوان های من هموطنانی شاد و وارسته و آزاد پایکوبی کنند."

هموست که جوهر زندگی شرافتمندانه خویش را این چنین سرود می کند:

"از تیرباران نمی ترسم. با این که به زندگی و زیبایی آن بسیار علاقمندم اما این علاقه آنچنان لکه ابر تاریکی را تشکیل نمی دهد که آفتاب درخشان حقیقت زحمتکشان را بنیهم ... با دلی شاد و پرامید گلوله را در دل خود جای خواهم داد و تا آخرین لحظه که گلوله ها قلبم را خواهد شکافت، افتخار پیوستگی را به خلق چون پتک سنگینی بر مغز دشمنان می کوبم."

تردید ندارم که خلق قهرمان و در پیشاپیش آن طبقه کارگر ما فانیسم را زنده بگور خواهد کرد و بر روی لاشه آن بنای زندگی شاد و آسوده خود را بر خواهد افراشت.

امروز نیز، پس از گذشت پنج سال از پیروزی انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن، رژیم واپسگرا و آزادی کش جمهوری اسلامی که به مردم پشت کرده است و گام نهادن در راه اجرای آماج های پراچ انقلاب روی گردانیده است، جمعی از افسران بهمن

بقیه در صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

خانها بازمی گردند

"جعفرخان" و "مجیدخان" دو نفر از مالکین روستاهای اطراف "صحنه" باختران، که پیش از انقلاب مالک ۳ آبادی بودند، اخیراً با کمک سپاه، زمینهای دو آبادی را که توسط هیئت های هفت نفره بین دهقانان کم زمین و خوش نشینان تقسیم شده بود، پس گرفته اند. در روستای سوم، موسوم به علی گرزان، خوش نشینان مقاومت کردند. سپاه ۱۲ نفر از آنها را دستگیر کرد و از آنها خواست که زمینهای خان را پس بدهند. آنها تهدید کردند که اگر بخواهید به زور زمین ها را از ما پس بگیرید، تمام محصولات را از بین می بریم. پس از چند روز آنها آزاد شدند، اما یک هفته بعد دستگیری مجدد خوش نشینان فعال روستا، بطور فردی آغاز شد.

"کیکاس خان" از خانهای منطقه "سنجایی" که از بد و انقلاب زندانی بود، ماه گذشته آزاد شد. یکی از فرماندهان سپاه پاسداران در حضور گروه زیادی از ایل سنجایی از او عذر خواهی کرد و گفت که عامل دستگیری شما را اینجانب منتقل کرده ایم.

هیئت هفت نفره، واگذاری زمین از امجدی ها، خانواده "فتودال" در منطقه "کیلان غرب" دعوت کرد که به پارهای سئوالات از این قبیل که چند فرزند دارید؟ چگونه امرار معاش می کنید؟ چه اسنادی در اختیار دارید؟ چه زمین چه مباح درآمدی دارید؟ پاسخ بدهند. پس از پایان جلسه، یکی از اعضای خانواده "امجدی" گفت: بسیار امید داریم که زمینهای ما را بروی پس بدهند.

لعنت بر جنگ و جنگ افروز!

نزدیکی نیمه شب ۱۷ خرداد هواپیمای عراقی نهادند را بمباران کردند. در منطقه کلشن صدها خانه و مغازه ویران شدند و تعداد زیادی کشته و مجروح شدند. مردم دیگر محله ها و روستاهای اطراف آمدند و با تلاش بسیار مجروحین و صدمه بین را از زیر آوار جنگ بیرون کشیدند. در این بین، ارگانهای دولتی از موقعیت سوء استفاده کردند و خواستند برای جنگ بازار گرمی کنند. اما مردم به شعارهای آنها پاسخ ندادند. هنگام تشییع جنازه شهدا روابط عمومی سپاه شعار "جنگ جنگ تا پیروز" داد. مردم شعار مرگ بر آمریکا می دادند. یکی از روحانیون در مراسم حتم شهدا با جملاتی نوهین آمیز به مردم میگفت: عده ای می گویند جنگ دیگر بس است. تمام جوانهای ما کشته شدند. نامردها این حرفها چیست که می زنند؟ چرا جنگ بس است، نامردها... اوسمی می کرد که جوانان را تشویق کند به جبهه

از کوزه همان برون تراود که در اوست

"سلامتی" معاون وزیر کار در امور فرهنگی مجلس، به گروهی از کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران بشارت داد که "بزودی پیش نویس قانون کارد یکی از مترقی ترین (!) قوانین کار است" به مجلس می رود. وی گفت "در این قانون سعی شده است تا حقوق کارگران زحمتکش کشورمان به نحو احسن حفظ شود".

از قدیم گفته اند "از کوزه همان برون تراود کدر اوست". با ترکیب کنونی نیروها در دولت و مجلس و سایر ارگانها، همچنین نسوع نگرش آنها به مسائل، مفهوم "مترقی ترین" قانون کار برای کارگران به خوبی روشن است.

آنها می دانند که حاکمیت و چهره دارد. چهره، حرف و چهره، عمل. وقتی که پای حرف در میان است، بالا روندگان از کرسی ها و منبرهای نطق و خطابه بازگ برمی دارند که پیامبر دست کارگری را بوسید و "شما کارگران زحمت

کشیدند که دولت پشتیبان شماست". اما وقتی نوبت عمل می شود شوراهای کارگری در کارخانه ها یکی پس از دیگری تعطیل می شود،

اداره امور کارخانه ها از سوی رهبرانی که مبارزه طبقاتی، یعنی دفاع از حقوق زحمتکشان را، یک امر مارکسیستی و "الحادی" می دانند، به "مدیران کارخان" یعنی مابشران نظام سرمایه داری سپرده می شود. سند پیکاهای کارگری تخته می شود. اعضای حزب طبقه کارگر به اتهامات ساختار "جاسوسی" و "حیانت" دستگیر و محاکمه می شوند و حزب "منحله" اعلام می شود. استک مشاطه گران بورژوازی، بایزک سالو-

ساده، پیش نویس قانون کار شکست خورده، توطئه و سرکشی، نه در آن، یعنی بردن سواردهای پیشین مبارزات طبقه کارگر فلم بطلان ننیده است، پا به عرصه می که آرند. آنها در رسته، از پیش آماده شده، با برجر به اصطلاح "تعذیل" ها در بیشتر نوسر فیلو، بساط خود را از نو پهن می کنند. اما "دیده" تازگ ایران، به عوار طبقه ای مستقل و آگاه، مباح خود را بد رستی تشبیه می دهد و آنها بر فایور مهتر تأیید خواهد زد که ساختار "جاسوسی" و مبارزات می گیر این طبقه باشد، نه در محور منافع استثمارگران و مادیان احباب "شرعی" حکومت مفت خورها.

بسیست ونهمین...

پرسیده تود های را پس از جنبیه تهرین شکنجه های عراسار. با جسم در هم کوبیده راهی میدان گلگه ام شد. نظامیان فخرمانی مانند اصلی، نیروز، و عمادیان که در ره جویس پیکار روزنه ها ساطک ها و محقو زاده ها را بر کف داشتند، از آن رو بر جیب اتهامات می پایه "سپا" ساخته و شاه پرداخته را می خورند، و از آن رو بسه جوجه های اعدام سپرده می شوند که پاینده به مبارزه عدالت خواهانه و آزادی طلبانه در ارتش بودند. رسته سنن مبارزه انقلابی و آزاد پیخش در ارتش را نمی توان، خشکاند.

بروند، اما مردم حشمگین شدند و به تدریج از مسجد بیرون رفتند. در گورستان شهر، مسئول تبلیغات سپاه از طریق بلندگو رسماً اعتراض کرد که چرا مردم پاسخ شعارهای او را به درستی نمی دهند. مردم به او اعتنائی نکردند و تا پایان مراسم هیچ شعاری ندادند.

پس از تهدید عراق به بمباران دوباره، نهادند امام جمعه از مردم خواست که روحیه خود را قوی کنند، از بمب نترسند، در شهر بمانند و "مقاومت" کنند. با این حال خود او زودتر از همه خانواده اش را از نهادند دور کرده بود.

مردم نهادند می گویند جنگ بس است. لعنت بر جنگ، لعنت بر کسانی که بر طبل جنگ می کوبند.

مسئولین بسیج هرسین در اجرای طرح "لیک یا حمینی" ستادی تشکیل دادند. پس از تبلیغ فراوان درباره جنگ حدود ۱۰۰ نفر داوطلب اعزام به جبهه شدند، خانواده ها و دو طلبان، با اجتماع در محل ستاد، اعتراض شدید خواهان قطع اعزام نیرو به جبهه و پایان جنگ شدند. روز بعد تعدادی از داوطلبان از منی به جبهه خود داری کردند. مردم هرسین سدی با سیاست داده، جنگ مخالفند.

گورستانی که وسعت می گیرد

"دارالرحمه" شیراز، محل دفن کشته شدگان، اعدام شدگان گروههای سیاسی اسر شهر است. روزهای اسر هفت، همچنین در روزهای حتم و سب هفت و چهلم ۲۰۰ خانواده شهدا در این گورستان تجمع می کنند. در این محل درگیری می شود و کار به رد وجودهای شدید می کشد و هر بار عده های دستگیر می شوند. در "دارالرحمه" معمولاً تعدادی مرد در ریم با لباس شخصی پرت می رند و افراد را بر ریشتر می گیرند. اینها اگر بنسوند کسی احساسات اعتراضی می کند و با تعداد جمعیت رسماً می شود درگیری ایجاد می کنند و مردم را کشت می زنند. بعد پاسداران وارد عمل می شوند و احساس به اصطلاح "مشکوک" را دستگیر می کنند. از مدتها پیش برای کنترل مردم، در اضراف "دارالرحمه" خندنی کنده اند، به طوری که ورود و خروج از یک طرف ممکن است. تا ساز گذشته جسد اعدام شدگان ابتدا به پزشکی قانونی، سپس به خانواده ها تحویل می شد. اولی از آن پس سپاه پنهانی اجساد را در می کشد و بعد به خانواده ها خبر می دهد. روی گور می کشد گان بجای سنگ قبر، تکه سیمانی می گذارند و بر آن حروف اول اسم و فامیلشان را می نویسند که او یا شان اغلب آنها را از بین می برند.

افزایش وسعت این گورستان نشان دهنده اعدام اعلام نشده زندانیان سیاسی و نیروهای انقلابی در شیراز است.

مبارزه در راه صلح يك وظیفه انقلابی است

فلجعه جنگ هسته‌ای بشریت را تهدید می‌کند. ماجراجوترین و متجاوزترین جناح جنگ طلب ایالات متحده آمریکا، که مجتمع نظامی - صنعتی هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد، عامل اصلی این خطر است. امپریالیسم ناگزیری تقدیر آمیز جنگ، امکان جنگ هسته‌ای محدود و حتی بلند مدت و پیروزی در آن را تبلیغ و خود را برای وارد آوردن نخستین ضربه هسته‌ای آماده می‌کند.

آغاز استقرار موشک‌های آمریکایی در اروپای غربی، وخامت نظامی و سیاسی رادرسراسر جهان تشدید کرد و موجب قطع مذاکرات ژنو میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا شد. تدارک و تهیه سیستم‌ها و انواع سلاح‌های مدرن با قدرت تخریبی زیاد، گسترش دامنه مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی، که بی‌آمدن وحشتناک آن قابل پیش‌بینی نیست، آغاز تولید بمب‌های نوترونی و دیگر سلاح‌هایی که می‌توانند برای نابودی هرگونه آثار حیات در کره زمین به کار آیند، با سرعت بی‌سابقه‌ای جریان دارد.

ایستار و جدید مسابقه تسلیحاتی این بار نیز مانند گذشته در دست ایالات متحده آمریکا است. محتوای سیاست امپریالیسم در مرحله کنونی تضعیف سوسیالیسم، سرکوب نهضت‌های ملی و دیکتاتیک و جنبش‌های ضد امپریالیستی خلق‌هاست. امپریالیسم می‌کوشد از حرکت تاریخ به سوی صلح پایدار و همزیستی سالمیت آمیز، که خواست عمده اکثریت قاطع ساکنین کره زمین است و نیز آزادی خلق‌ها از اسارت و استعمار، پیش‌آمد جنگ‌های مخرب، فقر و جهل، بیکاری و استعمار جلوگیری کند.

اوضاع بین‌المللی با تروریسم فاسادگینختی که ایالات متحده آمریکا در سطح جهانی اعمال می‌کند و عملاً آن را به سطح سیاست دولتی خود ارتقاء داده و خیمه می‌شود. دولت‌های امپریالیستی زیر پرده "سانتر" خطر شوروی و "خطر کمونیسم" مرتکب جنایات هولناکی علیه بشریت می‌شوند. حق حاکمیت خلق‌ها را لگد کوب کرده و به جنگ آشکار علیه دولت‌هایی که حاضر به تبعیت از امیال آزمند امپریالیسم نیستند، دست می‌زنند.

عملیات راهزانه علیه گرنادا، جنایتی که بشریت مرفقی هیچگاه فراموش نخواهد کرد، جنگ اعلان نشده علیه نیکاراگوئه از سوی و افغانستان و کامبوج از سوی دیگر، جنایت و ترور وحشیانه در السالوادور و لبنان، حملات راهزانه به آنگولا و موزامبیک و تهدید کوی سوسیالیستی، نمونه‌ها-

گویایی از تروریسم در عرصه بین‌المللی هستند. وخامت وضع در خلیج فارس نیز معلول این سیاست ماجراجویانه و اشتگتن است. هدف از استقرار ناوگان دریایی عظیم ایالات متحده در آب‌های اقیانوس هند و دهانه خلیج فارس، تشکیل نیروهای "اقدام سریع" و ستاد فرماندهی استراتژیک مرکزی" دخالت مستقیم در امور داخلی کشورهای منطقه و مبادرت ورزیدن به عملیات نظامی به قصد سرکوب نهضت‌های رهایی بخش است.

واشتگتن بارها اعلام کرده که در صورت قطع جریان نفت آماده است تا از نیروهای "اقدام سریع" خود به منظور "تضمین آزادی کشتیرانی در خلیج فارس" استفاده کند. تردیدی نیست که اداه و توسعه جنگ ایران و عراق از دیدگاه امپریالیسم آمریکا به سادگی ممکن است به "قطع جریان نفت" بینجامد.

در شرایطی که طراحان استراتژی پنتاگون پیوسته نیروهای نظامی بیشتری در منطقه متمرکز می‌کنند، ما معتقدیم که استمرار درگیری‌های ایران و عراق و احتمال گسترش آن، هم صلح و امنیت منطقه و هم صلح جهانی را بطور جدی تهدید می‌کند.

ما سیاست جنگ افروزان و راهزانه امپریالیسم آمریکا را در خاور میانه و خلیج فارس و آمریکای مرکزی و دیگر نقاط جهان شدیداً محکوم می‌کنیم و بر آنیم که باید با تمام قوا علیه آن پیکار کرد. اعلان "جنگ صلیبی" علیه سوسیالیسم مشابه یک سیستم از جانب دولت ریگان، نه تنها به معنای نفی تنش‌زدایی است، بلکه در عین حال کوشش عیثی برای دستیابی به برتری نظامی - استراتژیک بر اتحاد شوروی است.

امپریالیسم آمریکا و متحدانش در رانوه ضربه سختی بر تنش‌زدایی در مقیاس جهانی وارد کرده اند. دولت ریگان که تمام کره زمین را تیول خود می‌شمارد و در صدد سیادت آمریکا بر همه جهان است، می‌کوشد "از موضع قدرت" اراده خویش را به دیگر خلق‌ها تحمیل کند. در حقیقت امپریالیسم در صدد تلافی شکست‌های فاحش در دهه گذشته و باز پس گرفتن مواضع از دست رفته و پیدا کردن راه خروج جوامع سرمایه داری معاصر از بن بست تاریخی زائیده بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است.

ولی سیاست تنش‌زدایی در میان خلق‌های جهان چنان ریشه دوانده که نمی‌توان آن را مرحله‌ای پایان یافته تلقی کرد. بشریت مرفقی مدیون کوشش‌های خستگی ناپذیر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در ادامه سیاست تنش‌زدایی و تحکیم صلح جهانی است.

کنستانتین چرنکو، دبیر اول حزب کمونیست و رئیس شورای عالی اتحاد شوروی روز ۲۹ آوریل ۱۹۸۴ در ملاقات با کارگران کارخانه فولاد ساکس سکوا اظهار داشت "مردم شوروی اعتقاد راسخ دارند که می‌توان صلح را حفظ کرد. می‌توان سیر رویدادها را از رویایی به تنش‌زدایی متحول کرد. ما آماده گفتگو هستیم، ما حاضریم همکاری با آن دولت‌ها و سازمان‌هایی هستیم که خواهان کار شرافتمندانه و جدی به خاطر صلح اند."

گسترش مناسبات دوستانه و برابر بین دولت‌ها همزیستی سالمت آمیز کشورهای دارای نظام‌های اجتماعی - اقتصادی گوناگون، احترام اکید به حق خلق‌ها در تعیین سرنوشت و پیشرفت اجتماعی اصول لایتغیری هستند که جامعه کشورهای سوسیالیستی همیشه در سیاست خارجی خود از آنها پیروی می‌کند.

ما از پیشنهادات جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمینه مهار کردن مسابقه تسلیحات هسته‌ای، منع و نابودی انواع آن، تعهد همه کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای دایر بر عدم استفاده نخست از آن سلاح‌ها، همانند اتحاد شوروی که در این راه پیش‌قدم شد، انعقاد قرارداد میان اعضا "پیمان‌های ورشو و ناتو جهت خودداری از به کار بردن نیروی نظامی و ممانعت از گسترش حیطة عمل بلوک‌ها به دیگر نقاط جهان، منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای در فضا و جلوگیری از گسترش دامنه مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی و غیره قویا پشتیبانی می‌کنیم و آنها را یگانه راه دستیابی به صلح جهانی پایدار و نجات بشریت از جنگ هسته‌ای می‌دانیم. ما معتقدیم که محیط متشنج جهان بی‌شاز پیش‌با منافع کلیه کشورها و خلق‌های جهان در اصطکاک است و به همین سبب مبارزه در راه تحدید سلاح‌های هسته‌ای، ایجاد مناطقی آزاد از این سلاح‌ها، برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا، خاموش کردن کانون‌های جنگ را که احتمال فراروی آنها به جنگ جهانی می‌رود، یکی از عرصه‌های مبارزه انقلابی می‌شماریم.

NAMEH MARDOM No. 11	P. B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
AUG. 16, 1984	
Price	
W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 ös
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!